

گفت‌وگوی خبرنگار رادیوی صدای ایران با دکتر یزدی

س: آقای دکتر ابراهیم یزدی، شما مدتی خاموش بودید، دست کم در مصاحبه با رادیو صدای ایران. در یکی دو ماه اخیر نهضت آزادی بیانیه‌های متعددی منتشر کرده و آخرین آن در باب انتخابات ریاست جمهوری سال آینده است. این بیانیه در ده صفحه و دربرگیرنده مطالب متعدد و اصول و بندهایی است که خواسته‌اید همه گروه‌ها و رژیم آن را رعایت بکنند. با توجه به این که در این بیانیه به بحران‌های گوناگون اشاره کرده‌اید، ابعاد بحران‌های کنونی را چطور توصیف می‌کنید و از دید شما چه عواملی به این بحران‌ها دامن زده‌اند و می‌زنند؟

ج: اوضاع جامعه ما در حال حاضر یک شرایط پیچیده تاریخی را می‌گذراند و به هیچ وجه من‌الوجه نمی‌توانیم به مسائلی که الان با آن مواجه هستیم و بحران‌هایی که جامعه ما دارد تجربه می‌کند یک‌بعدی نگاه کنیم و یک علت را برای معلول‌ها پیگیری کنیم. به‌طور کلی، بحران‌هایی را که جامعه کنونی ایران تجربه می‌کند و گرفتار آن است در پنج طبقه یا پنج بعد می‌بینیم. یکی، بحران مدیریت است که مشخصات متعددی دارد. دیگری، بحران سیاسی است که آن هم یک تعریف مشخصی دارد. همچنین یک بحران فرهنگی، یا بحران اختلال در هویت، برای نسل جوان، که ۷۵ درصد جمعیت ما را که زیر ۲۵ سال است، تشکیل می‌دهد و بالاخره یک بحران ائدولوژیک داریم. یک انقلابی بوده، به اسم اسلامی در مملکت ما صورت گرفته است، ولی موانعی وجود دارد، مسائلی هست، نکاتی مطرح است، که هنوز اینها به جهت نظری، روشن نشده، ابهام وجود دارد. پیچیدگی وجود دارد. این بحران‌ها، همه دست به دست هم داده و هر کدام تأثیرات خودشان را دارند و همه این بحران‌ها روی هم اثرات متقابل می‌گذارند. بحران مدیریت بر بحران اقتصادی و برعکس بحران اقتصادی، بر بحران مدیریت اثر می‌گذارد. مجموعه این عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هم بر بحران جوان‌های ما اثر می‌گذارد. بنابراین یک چیزی که یک‌بعدی باشد نیست. مجموعه‌ای از عوامل است.

اما اگر بخواهیم، برای حل اینها قدم برداریم، یا اگر بخواهیم به‌طور علمی هر یک از این بحران‌ها را تعریف بکنیم و ریشه‌های آن را پیدا بکنیم، یک شرط اولیه هست، یک نیاز اولیه هست و آن عبارت از این است که ما باید بحران سیاسی را حل بکنیم. تا زمانی که بحران سیاسی حل نشده باشد، نمی‌توانیم به‌طور معناداری به سایر بحران‌ها پردازیم.

اگر ما بخواهیم مشکل جوان‌هایمان را مطرح بکنیم، این نیاز به جو سیاسی سالم دارد. باید روزنامه‌ها آزاد باشند. تجمعات آزاد باشند. احزاب آزاد باشند. باید این جو یک‌سونگری وجود نداشته باشد. تا ما بتوانیم، این مشکلات اساسی را حل کنیم. یعنی به نظر ما، اساسی‌ترین مشکلی که الان باید حل بشود، بحران سیاسی یعنی غیرقانونمند بودن جامعه است.

تا زمانی که حاکمیت، قانون اساسی و حقوق و آزادی‌هایی را که در فصل سوم قانون اساسی و

برای مردم به رسمیت شناخته و تصریح شده، اجرا نکند، مطبوعات آزاد نباشند، احزاب آزاد نباشند، ما هیچ نوع امیدی به حل بقیه بحران‌ها نداریم. بلکه آنها را روز به روز شدیدتر و بدتر می‌بینیم.

س: شما در بیانیه خواستار اصلاح قانون انتخابات شدید و اصلاح هر آن چیزی که ناقض حاکمیت ملت است. منظور از هر چیزی که ناقض حق حاکمیت ملت است چیست؟

ج: فصل پنجم قانون اساسی ما، تصریح می‌کند که حاکمیت از آن ملت است. اما برخی از مطالبی که گفته می‌شود، در تعارض با حق حاکمیت ملت است. به عبارت دیگر اگر رئیس‌جمهور، با رأی مردم انتخاب می‌شود، و مشروعیت پیدا می‌کند، دیگر معنا ندارد که بگویند، مشروعیت رئیس‌جمهور یا مشروعیت مجلس، مشروعیت این یا آن از جای دیگری است برای این که به نظر ما، قانون اساسی صراحت دارد که حاکمیت از آن ملت است.

س: بنابراین یک گره کوری در قانون اساسی جمهوری اسلامی وجود دارد؟!

ج: ما گره کور نمی‌گوییم. ما می‌گوییم یک تناقض یا تعارض وجود دارد، که آن تعارض، ناقض حق حاکمیت ملت است و اینجا، هم یک بحث قانونی هست، هم یک بحث حقوقی، یک بحث تئوری و نظری نیز وجود دارد.

س: در مورد نیروهای متشکل جدید در داخل کشور که اخیراً وارد صحنه شده‌اند، نظیر مجمع روحانیون مبارز - به سرپرستی و رهبری مهدی کروبی - چه نظری دارید؟ اینها چه موضعی دارند؟ اینها چه تأثیراتی در انتخابات خواهند داشت؟ ظاهراً هنوز موضعی نسبت به مسائل اساسی ابراز نکرده‌اند و صرفاً گفته‌اند ما تصمیم گرفته‌ایم فعال شویم، ظاهراً هم کاندیدای مستقل خودشان را می‌خواهند معرفی کنند.

ج: ما فعالیت همه گروه‌ها را در صورتی که در چارچوب قانون باشند و یک‌سویگر، انحصارطلب و تمامیت‌خواه نباشند، استقبال می‌کنیم. جامعه ما در حال گذر تاریخی است، در جامعه‌ای که به دلیل این گذر تاریخی متلاطم است، مسائل آن متنوع هستند، پیدایش افکار و گرایش‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و دینی متنوع، یک امر طبیعی است. باید اجازه داد، این افکار حضور داشته باشند. بنابراین از هر گروهی که بخواهد به‌طور جدی در صحنه حضور داشته باشد و فعالیت کند، ما علی‌الاصول استقبال می‌کنیم ولو این که با مواضع آنها و گرایش‌های آنها موافق نباشیم. حضور این افکار و اندیشه‌ها به رشد جامعه ما کمک می‌کند. منتهی تکرار می‌کنیم، به شرط و شروطی، و آن این که آزادی را برای همه گروه‌ها بپذیرند.

س: در بیانیه نهضت آزادی خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور شما اشاره کرده بودید به تعارضی که وجود دارد، بین تبعیت مطلق از ولی فقیه و ماهیت شورایی و اکثریت‌پذیر نظام حزبی. آیا به این درخواست شما از سوی رئیس‌جمهور وقعی گذارده شده و اصولاً در حال حاضر سیاست دولت در برابر نهضت آزادی چیست؟ آیا بعد از درگذشت مرحوم بازرگان هیچ تغییری کرده است؟

ج: نه، هیچ تغییری نکرده است. ما همچنان در یک شرایط سخت و محدود، با حداقل امکانات حرکت می‌کنیم و هنوز هیچ یک از احزاب سیاسی غیردولتی، آزادی‌های قانونی را ندارند. نهضت آزادی هم مثل بقیه!

ما در حد توانمان و با امکانات محدودی که برای ما وجود دارد، آن وظیفه‌ای را که در قبال ملت و مملکتمان داریم، انجام می‌دهیم. در آن مورد بخصوص هم که شما فرمودید چون آقای رئیس‌جمهور

محترم یک معیاری گذاشته بودند که اگر احزاب را آزاد بگذاریم نباید حرفی بزنند که مغایر با حرف ولی امر مسلمین باشد. خوب ما در پاسخ توضیح داده‌ایم، که آزادی فکر و اندیشه یعنی همین که این اندیشه‌ها و افکار مغایر عرضه شود. احزاب سیاسی برای این نیستند که هر چه مقامات بالای مملکت گفتند، اینها مهر تأیید بر آن بزنند. احزاب سیاسی می‌بایستی باشند، احزاب سیاسی مخالف هم باید باشند، آنها هم باید نظریات خودشان را بیان کنند. مردم قاضی نهایی هستند. مردم هستند که باید انتخاب بکنند. اگر روزی یک حزب مخالف حرفی زد و مردم در نهایت آزادی به حزبی که مخالف حاکمیت است رأی دادند آنها لاجرم باید از آن تبعیت کنند. دیگر کسی نمی‌تواند بگوید، خوب حالا نظریه‌ای که داده شده است مغایر است با نظریه رهبران حکومت. در اینجا ما در واقع خواسته‌ایم بگوییم اگر با این معیار احزاب «آزاد» هستند، این همان حرف‌های گذشته است که، همه آزادند، به شرط آن که این طور باشند! خوب آن وقت این آزادی نیست!

س: آقای دکتر یزدی بفرمایید که شما الان هیچ دفتری یا مکان مشخصی به عنوان نهضت آزادی ایران ندارید؟

ج: به عنوان نهضت آزادی به ما اجازه نمی‌دهند. نهضت آزادی در حال حاضر دفتر و محل مخصوصی ندارد محل دفتر سابق نهضت آزادی را از ما گرفته‌اند و تعهد گرفته شده است که از آن ساختمان برای فعالیت‌های نهضت استفاده نشود و اگر بخواهیم جایی را، سالی را اجاره کنیم باز هم نمی‌توانیم. برای این که اداره اماکن وابسته به شهربانی به ما اجازه نخواهد داد. جاهای دیگر نیز همه تحت کنترل خود آقایان است. بنابراین برای نهضت آزادی تشکیل اجتماعات عمومی امکان‌پذیر نیست. ما دفتری نداریم، همان دفتر شخص من است که در یکی از آپارتمان‌ها، در همان ساختمان قدیمی، هست. آن هم محل تشکیل جلسات نیست. فضای بسیار کوچکی است که به درد اجتماعات نمی‌خورد. روزنامه میزان هنوز تعطیل است. روزنامه‌های دیگر اجازه ندارند هیچ چیز راجع به نهضت آزادی بنویسند. مگر این که به ما حمله بکنند. حتی وقتی به عنوان آگهی هم چیزی به روزنامه‌ها می‌دهیم، حاضر به چاپ آن نیستند. اینها مسائل و مشکلاتی است که ما فعلاً داریم.

س: آقای دکتر رژیم با شخص شما چه مخالفتی دارد؟

ج: والله از خودشان باید پرسید!

س: خود شما چیزی مطرح نشده است؟

ج: خیر، ما تماسی نداریم که ببینیم آنها چرا با ما مخالف هستند! البته در مواقع انتخابات مجلس، هنگامی که صلاحیت ما را در فاز اول، چهار نفر از پانزده نفر را، قبول کردند، هیأت نظارت شورای نگهبان، ما را خواست. رفتیم، نشستیم و صحبت کردیم، آنها با صراحت از ما خواستند بنویسیم که به ولایت فقیه معتقد هستیم. خوی این برای ما قابل قبول نبود. برای این که، در شأن ما نیست، چیزی را که به آن معتقد نیستیم، بنویسیم. ما در حد التزام به قانون اساسی گفته‌ایم و نوشته‌ایم ولی اعتقاد یک امر قلبی و درونی است. جداگانه، که ما اعتقاد نداریم، و این را هم ما امروز نمی‌گوییم. ده سال پیش در ۱۳۶۶ نهضت آزادی یک دفترچه‌ای را منتشر کرد تحت عنوان تحلیل و تفسیر ولایت مطلقه فقیه، ما در آنجا نظریاتمان را در ۱۶۰ صفحه مبسوطاً شرح دادیم. اینها به ما گفتند، اگر شفاهی هم بگویید، قبول داریم. ما گفتیم نه! شفاهی یا کتبی، همان است که تا به حال گفته‌ایم و بر همان موضع خودمان ایستاده‌ایم.

س: آقای دکتر یزدی آیا شما هراس از این ندارید که از شما به عنوان سوپاپ اطمینان در رژیم استفاده کنند؟

ج: به چه دلیل باید بترسم؟!

س: به هر صورت، در حالیکه شاید خودتان نمی‌خواهید به عنوان سوپاپ اطمینان در نظر گرفته بشوید، شما را آزاد بگذارند که مثلاً مصاحبه کنید با رادیوهای ایرانی در خارج، با رادیوهای فارسی زبان دولت‌های دیگر؟

ج: خوب چی می‌شود؟!

س: منظورم این است که اگر اینها بخواهند از شما به عنوان سوپاپ اطمینان استفاده نکنند ناراحت نمی‌شوید؟!

ج: ببینید این که اینها بخواهند از این سوءاستفاده نکنند، بستگی دارد به این که ما به اینها یک امتیازی بدهیم، خوب آن وقت این حرف شما درست است. ولی من حرف خودم را دارم می‌زنم. من مواضع نهضت را دارم بیان می‌کنم. اگر حاکمیت آنقدر خردگرا شده باشد یا عناصر خردگرا در درون حاکمیت، این اندازه به فرزاندگی رسیده باشند که بفهمند حضور احزاب سیاسی و اپوزیسیون برای سلامت جامعه و برای حفظ نظام ضروری است، چه اشکالی دارد؟! مگر در فرانسه که این همه احزاب مخالف هست، و اعتصاب راه می‌اندازند که آن همه ضرر برای مملکت به بار می‌آورد، مگر بلد نیستند جلوی آنها را بگیرند؟! آنها می‌دانند که وجود احزاب مخالف، برای انسجام و استحکام جمهوری فرانسه ضروری و مفید است. حالا اگر شما می‌خواهید، اسم آن را سوپاپ اطمینان بگذارید، بگذارید. به عبارت دیگر چنانچه حق اعتصاب برای کارگران در فرانسه به رسمیت شناخته نشود و اعتراض کارگران را با گلوله جواب بدهند، فرانسه می‌رود به سوی انفجار! و این به نفع هیچ کس نیست. حال اگر به این معنا احزاب مخالف، اتحادیه‌های کارگری در فرانسه، سوپاپ اطمینان هستند، خوب باشند! سوپاپ اطمینان برای حفظ جمهوری فرانسه؟ خوب، بله باشند. این یک معادله‌ای است که طرفین از آن بهره‌مند می‌شوند. دموکراسی یعنی همین. اگر قرار باشد در کشور ما هم دموکراسی پیروز شود، اگر در درون حاکمیت عناصر خردگرا حضور دارند، لاجرم بایستی این روند را تسریع بکنند. ما ترسی از این نداریم که آنها به احزاب سیاسی مخالف، آرام‌آرام و به تدریج، آزادی‌هایی را بدهند، تا از یک انفجار نهایی و قطعی در آینده جلوگیری شود.

س: آیا شما تصور نمی‌کنید که اگر همان طور که بعضی از عقلا ملت در همان سال‌های ۳۹-۴۰ به شاه توصیه می‌کردند که این آزادی‌ها را بدهد، اگر می‌داد، و طبق قانون اساسی آن موقع عمل می‌کرد به انفجار نمی‌کشید؟!

ج: این یک امر طبیعی و بسیار ضروری برای حفظ سلامت سیاسی و اجتماعی یک جامعه است. حاکمیت نمی‌تواند بگوید که من می‌خواهم همه اختیارات را داشته باشم و از آن استفاده بکنم ولی بدون آن که به مخالفین هیچ نوع آزادی بدهم، فقط بروم در دنیا پز بدهم که در ایران آزادی هست. خوب چنین چیزی اصلاً امکان ندارد، رشد نخواهد کرد، در یک مرحله باقی می‌ماند، و نمی‌تواند از آن استفاده کند!

س: منظور من دقیقاً همین گفته آخر شما بود. که رژیم نیز پز بدهد، بابت این که، چند تن از مخالفان رژیم و یا ناموافقان رژیم، دارند آزادانه صحبت می‌کنند، بدون این که، اصلاً خودش معتقد به آزادی باشد.

ج: ببینید، در فرمایش شما دو چیز است. هیچ وقت ما از یک رژیم، از یک حاکمیت، از یک مسئول نمی‌پرسیم، آیا شما به آزادی اعتقاد داری یا نه؟ آزادی محصول نیت و اعتقاد زمامداران نیست؟ آزادی و دموکراسی، نتیجه شرایط عینی مناسبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه است. در بسیاری از موارد تاریخ به ما نشان می‌دهد. در همین تاریخ معاصر ما، رهبرانی بوده‌اند و هستند که هیچ اعتقادی به آزادی ندارند، ولی تحت شرایط خاص، بالاچار تسلیم می‌شوند و می‌پذیرند. سیاست، علم سازگاری است. به من مربوط نیست که آیا اعتقاد دارد یا ندارد. آن چیزی که برای ما مهم است، این است که آیا ما می‌توانیم حقوق و آزادی‌های ملت را به دست بیاوریم یا نه؟ حالا می‌خواهد از روی اجبار یا از روی اختیار باشد. فرق نمی‌کند این آزادی‌ها باید به رسمیت شناخته شود. توقع ما زیاد نیست. آرمانمان را هم تعیین کرده‌ایم. می‌دانیم کجا باید برویم. اما اجرا و تحقق آن بدون تردید باید به تدریج و گام به گام باشد و بتوانیم به طرف آن هدفی که داریم پیش برویم.

س: به عبارت دیگر آقای دکتر شما به استحاله رژیم معتقدید؟

ج: ببینید، هر چی اسمش را می‌خواهید بگذارید، نظام سیاسی هیچ کشوری ایستا نیست. این تصور نادرستی است که بعضی‌ها دارند. تصادفاً تصور نادرستی است که هم عناصر کاملاً ضدنظام جمهوری اسلامی و هم عناصری که معتقد به نظام جمهوری در درون حاکمیت هستند آن را دارند. آنها خیال می‌کنند که نظام‌های سیاسی، پدیده‌های ایستا و مصون از هر نوع تغییر و تحول هستند، نه چنین چیزی نیست. نظام‌های سیاسی، مثل همه پدیده‌های انسانی، دائم در تغییر و تحول هستند. ما امیدواریم، اینها هم تغییر و تحول را بپذیرند و از طریق مبارزات مردمی این طور بشود.

س: ممکن است در مورد نقش نهضت آزادی در انتخابات آینده ریاست جمهوری و نامزدی شخص شما یا

کاندیداهای دیگر از سوی نهضت توضیحی بدهید.

ج: ما به موقعش، اعلام می‌کنیم. الان هیچ نظری نمی‌دهیم.

س: من چندی پیش مطلع شدم که، بین نهضت آزادی و حزب سبزهای آلمان، ارتباطها و گفت‌وگوهایی

انجام شده است. این ارتباطها، چه انگیزه‌ای دارد؟ و چه هدفی طی می‌کند؟

ج: در همان بیانیه‌ای که نهضت آزادی بعد از این دیدارها در آلمان و برگشت از آلمان منتشر کرده است نکات اصلی را توضیح داده‌ایم.

س: بنابراین شما همفکر گروه سبزها هستید؟

ج: ببینید لزومی ندارد ما همفکر باشیم. مگر هر کسی با هر کسی سلام و عیلق کرد، باید با او همفکر باشد؟! اگر شما به من زنگ می‌زنید و با من مصاحبه می‌کنید و من به سئوالات شما جواب می‌دهم، معنایش این نیست که من با شما همفکر هستم! این یک استنباط نادرستی است که بسیاری مردم، از مناسبات سیاسی و اجتماعی دارند! این معنایش همفکری نیست! بلکه این سعه صدر است، رشد است، بلوغ و شعور است! آنها مواضع خودشان را دارند، ولی می‌خواستند از مواضع ما هم پیرامون مسائل مختلف، پیرامون وضعیت ایران، پیرامون وضعیت منطقه، پیرامون مناسبات غرب با اسلام مطلع شوند، از ما دعوت کردند ما هم رفتیم آنجا با هم صحبت کردیم و نظریات ما را شنیدند.

س: آقای دکتر شاید منظور این بوده است که از پشتیبانی معنوی سازمان‌های دموکرات در خارج

بخواهید بهره‌مند شوید.

ج: ببینید جهان ما جهان کوچکی است. به یک معنا، همان دهکده کوچک که می‌گویند. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند در خلاء حرکت بکند! ما نیازی به حمایت آنها نداریم. ما متکی به حمایت‌های مردمی جامعه خودمان هستیم، و قبل از همه هم با اتکاء به خدا وارد در این صحنه شده‌ایم و در جهت انجام وظیفه ملی و مذهبی خودمان کار می‌کنیم. بارها هم گفته‌ایم، شادروان مهندس بازرگان هم بارها این را گفته‌اند، که دعوی ما دعوی حجت است نه قدرت! ما داریم وظیفه خودمان را انجام می‌دهیم. حالا اگر کسانی باشند که بخواهند با نظریات ما آشنا بشوند و مایل باشند با ما گفت‌وگو کنند، استنکافی نداریم، می‌پذیریم.

س: آقای دکتر هیأت شما در گفت‌وگو با حزب سبزها در مورد گفت و شنود انتقادی، سیاستی که اتحادیه

اروپا دنبال می‌کند، چه نظری دارند؟

ج: در آن بیانیه‌ای که نهضت منتشر کرده است توضیح داده شده است. چند نکته بود. آنها به ما گفتند که آلمان سخت تحت فشار آمریکایی‌هاست که به سیاستی که آمریکا در مورد ایران دارد، تسلیم شود. ولی آنها به همراه برخی دیگر از کشورهای اروپایی آن را قبول ندارند و سیاست گفت‌وگوهای انتقادی را پذیرفته‌اند. ما این سیاست را علی‌الاصول تأیید می‌کنیم و معتقد هستیم که اروپا و آلمان نبایستی پیروی و دنباله‌روی آمریکا را بکنند. اما گفت‌وگوی انتقادی باید هدفی داشته باشد، شما دنبال تأمین چه چیزی از طرف ایران هستید؟ اولین چیزی که آنها به ما گفتند، این مورد که ایران با صلح خاورمیانه مخالفت نکند، ما جواب دادیم مگر مانع صلح در خاورمیانه ایران است؟! اگر ایران آمد و گفت من موافقم، آیا آن وقت صلح می‌شود؟! بنابراین از نظر ما این یک هدف قانع‌کننده و درستی برای این گفت‌وگوها نیست. دومین چیزی که آنها گفتند این بود که ما می‌خواهیم قضیه سلمان‌رشدی حل بشود. ما گفتیم سلمان‌رشدی چه ارتباطی با منافع ملی مردم آلمان و چه ارتباطی با منافع ملی ما ایرانی‌ها دارد؟! معنای دیگر سؤال من این است که اگر اینها فردا آمدند، فتوی سلمان‌رشدی را لغو کردند، دیگر شما با ایران مسئله‌ای ندارید؟! در آن صورت اگر ایرانی‌ها هر کاری بکنند، شما با آن مرتبط و دوست می‌شوید؟! آنها نظر ما را خواستند، ما گفتیم که ایران باید قانونمند بشود. ما به‌عنوان ایرانی خواستار اجرای اصول مندرج در فصل سوم قانون اساسی خودمان هستیم. بیانیه حقوق بشر را هم مطرح نمی‌کنیم که بعضی‌ها بیایند و بگویند که این یا آن اصلش یا مطالبش با اسلام مغایر است یا نمی‌خواند! ما می‌گوییم این اصول قانون اساسی را نه غرب‌گرایان و نه شرق‌گرایان، تصویب نکرده‌اند. بلکه اینها را خود آقایان بودند که تصویب کردند. رهبر فقید انقلاب هم گفت که یک کلمه غیراسلامی هم در آن نیست. بنابراین، اگر قانون می‌گوید شکنجه ممنوع است، سانسور مطبوعات ممنوع است، بازداشت‌های خودسرانه ممنوع است، محاکمه محرمانه ممنوع است. هر کسی که بازداشت می‌شود باید بلافاصله به او تفهیم اتهام شود و در ظرف ۲۴ ساعت پرونده‌اش به دادگاه صالحه فرستاده شود، باید حق وکیل داشته باشد، احزاب باید آزاد باشند. اینها چیزهایی هستند که قانون اساسی، می‌گوید و ما آنها را می‌خواهیم.

س: آقای دکتر آیا شما با گفتن این که [در بیانیه] باید در همکاری‌های منطقه‌ای و در سطح جهان با

قدرت‌های جهانی دست به تنش‌زدایی زد، منظورتان تجدید ارتباط با آمریکاست!!

ببینید اولاً ایران ارتباط خودش را با آمریکا قطع نکرده است. این آمریکایی‌ها بودند که ارتباطشان را با ایران قطع کردند و از جهت دیپلماسی، قطع ارتباط یک کشور با کشور دیگر به هیچ وجه علامت قدرت نیست. بلکه در عرف مناسبات دیپلماسی علامت ضعف و زبونی و بیچارگی آن دولتی است که رابطه را

قطع می‌کند. یعنی چون هیچ کار دیگری نتوانسته است بکند، حالا رابطه را قطع می‌کند. این چیزی نبوده است که ایران بخواهد، آنها رابطه را قطع کردند. ما معتقدیم که سیاست خارجی ایران، علی‌الاصول باید برود به سوی تنش‌زدایی. حالا در اینجا اگر بتوانند با آمریکایی‌ها بر سر مسائل توافق بکنند و نظر ایران در چارچوب مصالح ملی کشورمان تأمین بشود، به شرط این که آزادی‌های سیاسی باشد، تا هر آنچه که توافق می‌کنند، در معرض قضاوت افکار عمومی گذارده بشود و مردم بفهمند و پی ببرند که چه چیزهایی دارد اتفاق می‌افتد، خوب ما مخالف نیستیم!

س: آقای دکتر شما سیاست‌های تحریمی آمریکا را علیه جمهوری اسلامی چطور تحلیل می‌کنید؟ فکر می‌کنید، سرانجام به نفع کیست؟ چون [در آن بیانیه نهضت] اعلام کرده بودید که این تهدیدهای خارجی را باید جدی گرفت.

ج: منظور ما تحریم‌ها نبوده، بلکه تهدیدهای خارجی است. منظور ما آن چیزهایی است که کلاً در اطراف ما می‌گذرد.

س: یعنی، فرض کنید، حضور نظامی آمریکا در منطقه و خلیج فارس؟

ج: بله، آمریکا این همه تجهیزات نظامی را برای چی در خلیج فارس آورده است؟! با کدام دشمن می‌خواهد بجنگد؟! اصلاً با وجود این همه تجهیزات در منطقه هر آن ممکن است از یکی از دو طرف اشتباهی رخ بدهد و منطقه منفجر شود! وقتی می‌گوییم تهدیدها را جدی بگیرید یعنی این که یک دیپلماسی معنادار و فعال و مثبت هرگز نباید به مصداق یک مثل قدیمی که: دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد، خطرات و تهدیدها را نادیده بگیرد. در عراق چه می‌گذرد، در افغانستان چه می‌گذرد، در دور و بر ما چه می‌گذرد، خوب، یک دولت باید این چیزها را در نظر بگیرد و ما هم به جهت وظیفه‌ای که نسبت به کشورمان داریم و نگران تمامیت ارضی میهنمان هستیم به مسئولان امور هشدار داده‌ایم که اینها را جدی بگیرند!

س: نظر شما در مورد ریاست‌جمهوری آقای رفسنجانی برای بار سوم چیست؟

ج: نهضت آزادی در آخرین اعلامیه توضیح داده است. ما با هر گونه تغییر در قانون اساسی در جهت مخدوش کردن اصول آن به هر شکل و هر بهانه‌ای باشد مخالفت هستیم.

س: نظر شما در مورد دانشگاه‌ها و دست‌اندازی‌های انصار حزب‌الله و نطق‌های ضد‌دانشگاهی سران رژیم چیست؟

ج: نهضت دو اعلامیه داده است. یکی تحت عنوان، سلام به دانشگاه مظلوم و یکی هم در مورد دانشجویان مظلوم. به نظر ما این روشی که اتخاذ شده به ضرر علم و دانش است. دانشگاه نمی‌تواند به‌عنوان دانشگاه و مرکز علمی فعال باشد در حالی که قدرت سیاسی آن را مهار کرده باشد. در ۵۰ سال گذشته همیشه دانشگاه یکی از سنگرهای مبارزه و مقاومت در مقابل حکومت‌های استبدادی بوده است. چه در زمان ملی شدن نفت، چه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بازداشت مرحوم دکتر مصدق، در ۳۰ تیر و ۲۱ آبان، ۱۶ آذر معروف در ۱۳۳۲ و در سال‌های ۳۹ و ۴۰ به بعد همیشه دانشگاه یک مرکز مقاومت و مبارزه بوده است. یکی از علل آن هم این است که رشد علم با اعمال زور هیچ تناسبی ندارد. ما معتقدیم که دانشگاه‌ها را باید آزاد گذاشت. اگر آزاد باشد به‌طور طبیعی و خودبه‌خود معیارهای اسلامی و ضوابط و معیارهای فرهنگی حفظ می‌شود. ضوابطی که در همه فرهنگ‌هاست. ما گفتیم ۱۸

سال یا ۱۵ سال از انقلاب فرهنگی می‌گذرد، سه سال دانشگاه را تعطیل کردند، تمام استادها را اخراج کردند بعد تک‌تک این استادها را بعد از بررسی‌های مکرر در مکرر، دوباره به سر کار دعوت کردند، دانشجویان را هم همینطور، و هر دانشجو یا استادی هم که تازه می‌خواهد بیاید، انواع کنترل‌ها هست، پس بعد از این ۱۵ سال، چه چیزی را می‌خواهند اسلامی بکنند؟! اگر منظور از اسلامی کردن دانشگاه‌ها این است، که استادان ما وجدان کاری داشته باشند، درسی را که به دانشجو می‌دهند، خودشان بلد باشند، هم‌وغم آنها این باشد که دانشجویان را آموزش دهند تا کادرهای ورزیده‌ای به وجود آید، بله ما هم موافقیم. ولی اگر منظور از اسلامی کردن، یک تغییرات قشری باشد، که حتماً استادها مثلاً باید ریش بگذارند، یا حتماً باید برای هر دانشگاهی یک روحانی بیاید و نظارت بکند، اینها به نظر ما اسلامی کردن نیست!! آن روح اسلامی است، که هر کس وظیفه خود و کار خود را انجام بدهد، سرمایه ملی تلف نشود، هر کس وجدان خودش را در کاری که انجام می‌دهد در نظر داشته باشد، عمر دانشجو، وقت دانشجو در دانشگاه تلف نشود. اینها نکاتی است که اگر در نظر گرفته شود، می‌شود اسلامی چون اسلام برای تحقق این ارزش‌هاست.

با تشکر از شما آقای دکتر یزدی

روابط عمومی

نهضت آزادی ایران

۷۵/۰۹/۰۶